

ولایت تکوینی خداوند و اولیای او

خداوند متعال سبب‌آفرین است و مقهور اسباب و علل نمی‌شود. گرچه خداوند اراده کرده است تا هر معلولی علت خاص داشته باشد؛^۱ اما در مواردی کارها را از راه دیگری غیر از راه‌های شناخته شده انجام می‌دهد. خداوند به آتش، سوزاندگی داده است؛ اما وقتی مشرکان، حضرت ابراهیم علیه السلام را داخل آتش افکندند به آتش امر فرمود: برای ابراهیم علیه السلام خنک باشد.

﴿قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ﴾^۲

گفتیم: ای آتش، بر ابراهیم سرد و سالم باش.

آهن تیز برنده است؛ اما نسبت به اسماعیل علیه السلام برندگی را از دست داد:

۱. امام صادق (ع) می‌فرماید: «أَبَى اللَّهُ أَنْ يُجْرِيَ الْأَشْيَاءَ إِلَّا بِأَسْبَابٍ فَجَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا؛ خدا خودداری و امتناع فرموده که کارها را بدون اسباب فراهم آورد؛ پس برای هر چیزی سبب و وسیله‌ای قرار داد». الکافی:

ج ۱، ص ۱۸۳.

۲. انبیاء: ۶۹.

فَلَمَّا أَسْلَمَا وَ تَلَّ لِلْجَبِينِ وَ نَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ قَدْ صَدَّقْتَ الرُّءْيَا
إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ وَ فَدَيْنَاهُ
بِذِيحٍ عَظِيمٍ وَ تَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ؛

هنگامی که هر دو تسلیم و آماده شدند و ابراهیم جبین او را بر خاک نهاد ... او را ندا دادیم که ای ابراهیم، آنچه را در خواب ماموریت یافتی انجام دادی، ما اینگونه نیکوکاران را جزا می‌دهیم.

در تفسیر نمونه در این‌باره آمده است:

«ابراهیم صورت فرزند را بر خاک نهاد و کارد را به حرکت در آورد و با سرعت و قدرت بر گلوی فرزند گذارد، درحالی‌که روحش در هیجان فرورفته بود و تنها عشق خدا بود که او را در مسیرش بی‌تردید پیش می‌برد.

اما کارد برنده در گلوی لطیف فرزندش کمترین اثری نگذارد! ... ابراهیم علیه السلام در حیرت فرورفت بار دیگر کارد را به حرکت در آورد؛ ولی باز کارگر نیفتاد، آری ابراهیم خلیل علیه السلام می‌گوید: بپر! اما خداوند جلیل فرمان می‌دهد: نپر! و کارد تنها گوش بر فرمان خدا دارد»^۱.

رود به طور طبیعی در سرایشی حرکت می‌کند و متوقف نمی‌شود؛ ولی وقتی حضرت موسی علیه السلام به امر خداوند با عصا به رود نیل زد آب‌ها ایستادند:

۱. تفسیر نمونه: ج ۱۹، ص ۱۰۹.

﴿فَاضْرِبْ لَهُمْ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا﴾^۱

و برای آنها راهی خشک در دریا بگشا.

این اعجاز موسی علیه السلام با عصایی معمولی صورت گرفت؛ چنان‌که از سؤال و جواب خداوند و موسی علیه السلام روشن می‌شود، همان عصایی که به شکل ماری عظیم‌الجثه درآمد:

﴿وَمَا تِلْكَ بِيَمِينِكَ يَا مُوسَىٰ * قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّؤُا عَلَيْهَا وَ أَهْشَ بِهَا عَلَىٰ غَنَمِي وَلِيَ فِيهَا مَنَآرِبُ أُخْرَىٰ * قَالَ أَلْقِهَا يَا مُوسَىٰ * فَأَلْقَاهَا فَإِذَا هِيَ حَيَّةٌ تَسْعَىٰ * قَالَ خُذْهَا وَلَا تَخَفْ سَتُعِيدُهَا سِيرَتَهَا الْأُولَىٰ﴾^۲

و [خداوند گفت:] چه چیز در دست راست توست ای موسی؟! گفت: این عصای من است؛ بر آن تکیه می‌کنم، برگ درختان را با آن برای گوسفندانم فرو می‌ریزم و نیازهای دیگری را نیز با آن برطرف می‌کنم. گفت: ای موسی، آن را بیفکن. [موسی] آن را افکند، ناگهان مار عظیمی شد و شروع به حرکت کرد! فرمود: آن را بگیر و نترس ما آن را به همان صورت اول بازمی‌گردانیم.

مولوی این معنا را به خوبی در ابیات زیر بیان کرده است:

مرده زین سویند وز آن سو زنده‌اند	خامش اینجا و آن طرف گوینده‌اند
چون از آن سوشان فرستد سوی ما	آن عصا گردد سوی ما ازدها

۱. طه: ۷۷.

۲. همان: ۲۱-۱۷.

کوهها هم لحن داودی کند جوهر آهن به کف مومی بود
باد حمال سلیمانی شود بحر با موسی سخن دانی شود
ماه با احمد اشارت بین شود نار ابراهیم را نسرين شود
خاک قارون را چو ماری در کشد استن حنانه آید در رشد
سنگ بر احمد سلامی می کند کوه یحیی را پیامی می کند^۱
این از ویژگی‌های اولیای الهی است که کارهای خارق‌العاده‌ای می‌کردند و به
اذن الهی در تکوین، تصرف می‌نمودند. قرآن نسبت به حضرت عیسی علیه السلام
می‌فرماید:

﴿إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَى
وَالِدَتِكَ إِذْ أَيَّدتُّكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا
وَإِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَاتِ وَالْإِنْجِيلَ وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ
الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنْفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي وَتُبْرِئُ
الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِي وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَى بِإِذْنِي وَإِذْ كَفَفْتُ بَنِي
إِسْرَائِيلَ عَنْكَ إِذْ جِئْتَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ هَذَا
إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ﴾^۲

[یاد کن] هنگامی را که خدا فرمود: ای عیسی پسر مریم، نعمت مرا
بر خود و بر مادرت به یاد آور، آنگاه که تو را به روح‌القدس تأیید
کردم که در گهواره [به اعجاز] و در میان‌سالی [به وحی] با مردم

۱. مثنوی معنوی: ج ۳، ص ۳۸۸.

۲. مائده: ۱۱۰.

سخن گفتی؛ و آنگاه که تو را کتاب و حکمت و تورات و انجیل آموختم؛ و آنگاه که به اذن من، از گِل، [چیزی] به شکل پرنده می‌ساختی، پس در آن می‌دمیدی، و به اذن من پرنده‌ای می‌شد، و کور مادرزاد و پیس را به اذن من شفا می‌دادی؛ و آنگاه که مردگان را به اذن من [زنده از قبر] بیرون می‌آوردی؛ و آنگاه که [آسیب] بنی‌اسرائیل را - هنگامی که برای آنان حجت‌های آشکار آورده بودی- از تو باز داشتم. پس کسانی از آنان که کافر شده بودند گفتند: این [ها چیزی] جز افسونی آشکار نیست.

حضرت ابراهیم علیه السلام پرنده‌گان را به امر الهی زنده کرد:

﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ قَالَ أُولَٰئِكَ ثُمُورٌ
قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِن لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ
إِنِّيكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا
وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾^۱

و [به خاطر بیاور] هنگامی را که ابراهیم گفت: خدایا، به من نشان بده چگونه مردگان را زنده می‌کنی؟ فرمود: مگر ایمان نیاورده‌ای؟! عرض کرد: آری، ولی می‌خواهم قلبم آرامش یابد. فرمود: دراین‌صورت، چهار نوع از مرغان را انتخاب کن و آنها را [پس از ذبح کردن،] قطعه قطعه کن [و در هم بیامیز] سپس بر هر کوهی،

قسمتی از آن را قرار بده، بعد آنها را بخوان، به سرعت به سوی تو می آیند. و بدان خداوند قادر و حکیم است.

باد و جنیان در اختیار حضرت سلیمان علیه السلام بودند:

﴿فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابُ﴾^۱

پس ما باد را مسخر او ساختیم تا به فرمانش به نرمی حرکت کند و به هرجا او می خواهد برود.

﴿قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُوا أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بَعْرُشَهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ
* قَالَ عَفْرَيْتُ مَنْ الْجِنِّ أَنَا ءَاتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ
وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ * قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ أَنَا
ءَاتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رَءَاهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ
هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي ءَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا
يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ﴾^۲

[سلیمان] گفت: ای بزرگان، کدامیک از شما توانایی دارید تخت او را پیش از آنکه خودشان نزد من آیند برای من بیاورید؟! عفریتی از جن گفت: من آن را نزد تو می آورم پیش از آنکه از مجلست برخیزی و من نسبت به آن توانا و امینم. [اما] کسی که دانشی از کتاب [آسمانی] داشت گفت: من آن را پیش از آنکه چشم بر هم

۱. ص: ۳۶.

۲. نمل: ۴۰.

زنی نزد تو خواهم آورد! و هنگامی که [سلیمان] آن را نزد خود
مستقر دید گفت: این از فضل پروردگار من است تا مرا آزمایش
کند که آیا شکر او را به‌جا می‌آورم یا کفران می‌کنم؟

همان‌طور که انبیای الهی علیهم‌السلام ولایت تکوینی از طرف خداوند داشتند، پیامبر
اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه علیهم‌السلام نیز دارند.^۱

در جنگ خیبر امیر مؤمنان علی علیه‌السلام چشم درد شدید داشتند، به همین جهت
نمی‌توانستند در جنگ شرکت کنند، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مقداری از آب دهان
مبارکشان را به چشم آن حضرت مالیدند، بلافاصله بهبودی یافت.
با توجه به آنچه بیان شد، توسل به معصومان علیهم‌السلام برای حل مشکلات، امری
منطقی و باوری بر اساس قرآن کریم است.

۱. در دعای سمات موارد خرق عادت و تصرفات اولیای الهی در تکوین آمده است.